



An Approach to the Role of Architectural and Urban Design in the Urban Policy-Making Process in Iran: Proposing a Theoretical Model

Behzad Omranzadeh¹ | Hamed Abedini²

DOR: 20.1001.1.29808901.1403.3.12.3.6

Abstract

The city is the outcome of a dual process—design and policy—or, more precisely, a product of both outcome and process. While policy-making constitutes the managerial dimension of the city, micro and macro design serves as the domain of ideation and the creation of new urban conditions. Both dimensions ultimately aim to enhance the quality of urban life. This quality is achievable only through the continuous and reciprocal interaction of the two, with their interplay manifesting spatially in the urban form. A review of past urban experience in Iran indicates that design has largely remained detached from urban policy-making processes. Despite rhetorical acknowledgment of the importance of design and the qualitative dimension of the city, actual policy frameworks have failed to establish a structured mechanism to integrate architectural and urban design into urban policy-making. Against this backdrop, the present study seeks to review the specialized literature on urban policy-making in Iran and to construct a theoretical framework that explains the position of design—particularly architecture and urban design—within the policy-making process. The research is qualitative in nature and employs a descriptive-analytical method through library resources, documentary evidence, and existing practical experiences. Findings suggest that if policy outputs—as expressions of a city's civilizational process—are formulated as design policies, then purposeful design intervention becomes feasible. Considering the factors, components, and characteristics inherent to the architectural and urban design process, these policies can be transformed into practical design guidelines. Such guidelines function as mediating elements between policy and design, allowing for a more integrated and comprehensive approach to urban development.

Keywords: Urban policy-making, Urban policy, Design guidelines, Contemporary architecture and urban design in Iran, Iranian-Islamic civilization

1. Corresponding author: Assistant Professor, Center for Iranian-Islamic City, Sadr Institute for Civilizational Studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. omranzadeh@ut.ac.ir
2. Ph.D. in Architecture, Faculty of Art and Architecture, Khatam University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Omranzadeh'B & Abedini' H.(2025). An Approach to the Role of Architectural and Urban Design in the Urban Policy-Making Process in Iran: Proposing a Theoretical Model , Civilizational interdisciplinary studies of Islamic Revolution; 3(12), 53-88.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۵۳-۸۸

شاپا چاپی: ۲۹۸۰-۸۹۰۱
الکترونیکی: ۲۸۲۱-۱۶۸۵

رهیافتی بر جایگاه طراحی معماری و شهرسازی در فرآیند سیاست‌گذاری شهری در ایران؛ ارائه مدلی نظری

بهزاد عمران‌زاده^۱ | حامد عابدینی^۲

چکیده

شهر محصول دوگانه طراحی سیاست و یا محصول فرآیند است. سیاست‌گذاری عرصه مدیریتی شهر و طراحی‌های خرد و کلان، جولانگاه ایده‌پردازی و آفرینش وضعیت‌هایی جدید است. هدف از هر دوسویه، ارتقا کیفیت زیست جامعه در بستر شهری است. این کیفیت زیست مادامی می‌گردد که هر دو حوزه به شکل پیوسته و متقابل عمل کرده و برهم کنش‌ها آن‌ها در قالب فضاها و شکل شهر مجسم گردد. مرور تجربیات گذشته در ایران بیانگر این مسئله است که اساساً طراحی مقوله منفک از فرآیندهای سیاست‌گذاری شهری در ایران بوده و سیاست‌گذاری نیز با وجود تأکید بر ضرورت توجه به بعد طراحانه و کیفی شهر، اما در عمل نتوانسته مکانیزم ساختارمندی را در راستای هم پیوندی با عمل طراحانه در مقیاس معماری و شهرسازی پایه‌گذاری کند. نظر به این طرح مسئله، پژوهش حاضر سعی دارد تا ضمن احصاء ادبیات تخصصی سیاست‌گذاری شهری در ایران، ساختار نظری در جهت تبیین جایگاه بعد طراحی (معماری و شهرسازی) را در فرآیند سیاست‌گذاری شهری ارائه دهد. پژوهش ماهیتی کیفی داشته و از طریق روش توصیفی تحلیلی با بررسی منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و تجربیات موجود ارائه مدلی نظری جایگاه طراحی معماری و شهرسازی در فرآیند سیاست‌گذاری شهری است. یافته‌ها بیانگر این نکته است که اگر خروجی سیاست‌گذاری به مثابه نمودی از فرآیند تمدنی یک شهر، در قالب سیاست‌های طراحی ارائه گردد، امکان مداخله طراحانه میسر بوده و با در نظر گرفتن عوامل، مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که در روند طراحی معماری و شهرسازی نقش دارند، سیاست‌ها بدل به راهنماهای عملیاتی طراحی شود. این راهنماها در حکم حلقه واسط بین سیاست و طراحی عمل خواهند کرد و ابعاد مختلف آن در نظر گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری شهری، سیاست شهری، راهنمای طراحی، معماری و شهرسازی معاصر ایران.

۱- نویسنده مسئول: استادیار، مرکز شهر اسلامی ایرانی، پژوهشکده مطالعات تمدنی صدر، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران ایران
omranzadeh@ut.ac.ir

۲- دکتری تخصصی، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

استناد: عمران‌زاده، بهزاد؛ عابدینی، حامد. (۱۴۰۳). رهیافتی بر جایگاه طراحی معماری و شهرسازی در فرآیند سیاست‌گذاری

شهری در ایران؛ ارائه مدلی نظری، مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی؛ ۳(۱۲)، ۵۳-۸۸.

DOR: 20.1001.1.29808901.1403.3.12.3.6

© نویسنده

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

شهر مقوله‌ای بنیادین در فرآیند تمدنی یک سرزمین است که با ساختاری پیچیده و چند وجهی نقش مهمی را در توسعه اقتصادی، ارتقا کیفیت زندگی و زیرساخت‌های شهری، آموزش، عدالت و برابری یک اجتماع ایفا کرده و در قالب بستر تعالی و کمال انسان، تأثیرات کلیدی و حیاتی در مسیر زندگی افراد برجای می‌گذارد (آی‌شم، ۱۴۰۰: ۲۱۲). ازاین رو مواجهه با شهر نیازمند در نظر گرفتن کلیه عوامل و شاخصه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر است تا بتوان در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های متعالی مدنظر حرکت کرده و ارزش‌های والای انسانی را از طریق آن دنبال نمود. از خلال این موضوع، جایگاه و اهمیت حکمرانی در شهر و برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان که درواقع به ساختار یک شهر در سطوح مختلف شکل می‌دهد، محرز می‌گردد. در چند دهه اخیر سیاست‌گذاری شهری به‌عنوانی یکی از زیرشاخه‌های سیاست‌گذاری عمومی و به مثابه موضوع مهم علمی در کلان‌شهرهای دنیا مطرح شده و بخش وسیعی از مطالعات شهری را به خود اختصاص داده است (مسلمی مهنی، ۱۳۹۷: ۱۶۳-۱۶۴). پیرامون شهرهای امروز ایران معضلات مختلفی از جنبه‌های کالبدی-فضایی و معنایی و در نسبت با شاخص‌ها و آرمان‌های شهر اسلامی ایرانی مطرح می‌گردد، که بخش عمده‌ای از آن‌ها معطوف به چگونگی ظهور و بروز حوزه‌هایی نظیر معماری و شهرسازی است. بر همین مبنا توجه به ساختارهای تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی کلان نظیر سیاست‌گذاری‌های شهری از نقطه‌نظرهای تخصصی نظیر معماری و شهرسازی می‌تواند ضمن ایجاد شناختی صحیح از شرایط هر بستر، زمینه تحقق اهداف موردنظر آن را فراهم می‌کند.

توسعه شهرها و روند رو به رشد جمعیت با افزایش تقاضاها و نیازهای حیطه شهرنشینی همراه بوده که ضرورت اتخاذ رویکردها و برنامه‌های دقیق را در قالب سیاست‌های کلان ایجاد می‌نماید تا در یک ساختار حکمرانی یکپارچه کیفیت زندگی شهری در تناسب با افزایش کمی آن قرار گیرد. در قرن بیست و یکم شهرها و کلان‌شهرها توجه ویژه‌ای به حکمرانی شهری دارند و در حقیقت یکی از دغدغه‌های مهم مدیریت شهری، راهبردهای رسیدن به حکمرانی خوب شهری به‌عنوان مرجعیت سیاست‌گذاری شهری است که این امر باعث به حداقل رسانیدن چالش‌های

شهری می‌شود. به این ترتیب شهرها به وضعیت پایداری خود در جهت رقابت اقتصادی، همبستگی اجتماعی و پاسخگویی سیاسی می‌رسند (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱۹) (علیزاده حسن آبادی و همکاران، ۱۴۰۳). سیاست‌گذاری که شاخصه مهم دستیابی به بسیاری از اهداف کلان است، به طور عمومی شامل فرآیند تعریف مسئله، شناسایی راه‌حل، انتخاب راه‌حل و سیاست، اجرا و ارزیابی آن می‌باشد. سیاست‌گذاری شهری نیز کلید واژه مهم در ساختار حکمرانی شهری است که به مجموعه اقدامات و سیاست‌هایی که دولت‌ها در ارتباط با شهرها می‌بایستی انجام دهند یا از انجام آن سر باز زنند، اطلاق می‌گردد. شهرها عرصه سیاست‌گذاری هستند، هیچ شهری به خودی خود نمی‌درخشد و نمونه نمی‌شود. درخشش و موفقیت شهری حاصل فرآیندهای پیچیده سیاست‌گذاری در زمان طولانی است (وحید، ۱۳۸۷). از این رو سیاست‌گذاری شهری یک باره به وجود نمی‌آید بلکه در فرآیندی مستمر تدوین و به کار گرفته می‌شود.

سیاست‌گذاری شهری تنها به فعالیت‌هایی در مقیاس و گستره شهری مربوط نمی‌شود. سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و ملی و بین‌المللی نیز اگر پیامد آن‌ها در سطح شهری و در قالب برنامه‌ریزی کاربری زمین یا توسعه شهری مدنظر باشد نیز به عنوان سیاست شهری قلمداد می‌شود (Song, et al. 2023). از این منظر سیاست‌گذاری شهری مفهومی گسترده و قابل اعتنا در ادبیات مدیریت و حکمرانی شهری است که نیازمند توجه مضاعف است (Jacobsen, et al. 2024). تجربه مطالعات گذشته نشان می‌دهد که در ایران هنوز شناخت تخصصی و دقیقی نسبت به این واژه به‌ویژه در ارتباط با حوزه‌های نظم‌دهنده کالبدی، فضایی و معنایی یعنی معماری و شهرسازی شکل نگرفته است. از این رو این پژوهش به دنبال تبیین اهمیت این مسئله است که شهر و حکمرانی در آن بیش‌ازپیش نیازمند فهم و کاربرست درست مفهوم سیاست‌گذاری شهری است.

در بررسی مطالعات سیاست‌گذاری، سه سطح سیاست‌گذاری قابل شناسایی است. در سطح اول که سطح ملی یا کلان بوده، موضوعاتی همچون منافع کلان مطرح می‌شود. سطح دوم که سطح نهادی یا مبانی نام برده می‌شود. همچنان موضوعات منافع را پیگیری می‌نماید؛ با این تفاوت که این موضوعات حول نیازها و دغدغه‌ها محلی مطرح شده و گروه‌های بهره‌ور را در مقیاس محلی در نظر می‌گیرد (Ferlie & Ongaro, 2015) و در نهایت لایه سوم سیاست‌گذاری که در مقیاس خرد مطرح می‌شود به معنای مجموعه تصمیمات برای هموارسازی اجرای راهبردها در طرح‌ها

قلمداد می‌شود. این سطح را می‌توان سطح سیاست‌گذاری شهری دانست. با تحلیلی تخصصی و مبتنی بر شناخت نظری، سیاست‌گذاری شهری آنجایی شروع می‌شود که پیرامون سیاست‌گذاری عمومی و کلان، پرسش‌هایی از جنس کجایی مطرح می‌شود و رابطه سیاست‌ها با موضوع برنامه‌ریزی و مدیریت فضا را قابل تبیین می‌نماید. با این پرسش دو بعد سیاست‌گذاری شهری کامل می‌گردد: جامعه و دولت از یک سو، و فضا، مکان و جغرافیا از سوی دیگر (Holland, 2015). لذا سیاست‌گذاری شهری اساساً با چالش‌های کالبد، فضا و مدیریت آن‌ها سروکار دارد و این امر آن را در نسبتی مستقیم با روندهای شکل‌دهنده به ساختار و سازمان شهری قرار می‌دهد.

در ارتباط با برداشت‌های لغوی، سیاست‌گذاری شهری با سیاست شهری دارای تفاوت‌هایی است. سیاست‌گذاری شهری از جنبه‌های عملیاتی‌تر چون مسئله‌یابی، انتخاب راه‌حل‌ها، تصمیم‌گیری و ارزیابی راه‌حل‌های انتخاب‌شده پیرامون مشکلات و مسائل شهری برخوردار است در صورتی که سیاست‌های شهری مجموعه اقدامات و برنامه‌هایی هستند که از سوی دولت در جهت توسعه شهرها و رشد کلان‌شهرها بکار گرفته می‌شود (میرعابدینی، ۱۳۹۷). از این منظر برای سیاست‌گذاری شهری دو بعد رویه‌ای و محتوایی را می‌توان در نظر گرفت که بعد رویه‌ای، فرآیند، مسیر و چگونه سیاست‌گذاری کردن را تبیین می‌کند، و بعد محتوایی به محمل و موضوعات سیاست‌گذاری شهری می‌پردازد (کاظمیان، ۱۳۹۲). از این جهت سیاست‌گذاری شهری در مدیریت شهری مقوله بسیار با اهمیت است، چراکه از طریق ایجاد قوانین و برنامه‌هایی مشخص در خصوص موضوعاتی چون نحوه استفاده از زمین و کاربری آن، دریافت مالیات و عوارض در شهرها، نحوه تأمین زیرساخت‌های شهری و یا معرفی ابزارهای مالی جهت حمایت از سرمایه‌گذاری، توسعه شهرها را به سمت و سوی مشخصی هدایت می‌کند. انتظار می‌رود الگوی مطلوب سیاست‌گذاری شهری، در ابعاد اهداف عالیه و چشم‌انداز شهر و مدیریت شهری، توان نزدیک نمودن دیدگاه و درک افراد، نهادها و سازمان‌های متعدد ذی‌ربط در امر سیاست‌گذاری شهری در حوزه آینده شهر و مدیریت شهری را داشته باشد، برهم‌کنش تضادها را کاهش و روابط هم‌افزا و متعامل را تسهیل نماید، فاقد بخشی‌نگری بوده و تصویری یکپارچه از شهر و مدیریت شهری مطلوب خود عرضه نماید. همچنین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری شهری، ظرفیت توافق پایدار بر سر اهداف و اصول کلان‌شهر را در خود دارد. این اصول می‌تواند بر اساس معیارهای و

ضوابط شهر اسلامی استخراج گردد و اهداف و آرمان‌های آن را که به دنبال حفظ کرامت انسانی و ارتقای ارزش‌های بنیادین و والای اسلامی است، در پی داشته باشد.

با وجود جایگاه غیرقابل‌انکار سیاست‌گذاری شهری، مرور مطالعات موجود در کشور ما نشان می‌دهد که تاکنون فرآیند اتخاذ تصمیمات کلان در مدیریت شهری و یا سیاست‌گذاری شهری مدل‌سازی و یا ترسیم نشده است. از این رو امکان بررسی و مطالعه فعالیت‌هایی که در عمل در ذیل فرآیند سیاست‌گذاری شهری اتفاق می‌افتند فراهم نبوده است. مطالعات سیاست‌گذاری شهری غالباً بر نحوه انتقال سیاست و یا مداخله دولت در موضوعاتی چون زمین و مسکن، زیرساخت‌های حمل‌ونقلی، تعارضات، توزیع قدرت و منابع و تعاملات ذی‌نفعان شهری متمرکز است. در صورتی که اساس شکل‌گیری کالبدی فضایی شهر ماحصل برنامه‌ها و طرح‌های برآمده از سیاست‌گذاری شهری است و شهر در ظاهر و معنای آن تا حد بالایی از این روند تأثیر می‌پذیرد. در همین راستا بیشتر پژوهش‌ها و تدوین‌های صورت گرفته در این زمینه در رشته‌های علمی غیر از معماری، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری انجام پذیرفته است و تاکنون از منظر روندهای اثربخش بر معماری و شهرسازی مستندنگاری علمی نشده است. لذا نبود نگاه تخصصی از منظر معماری و شهرسازی در مطالعات پیرامون حوزه سیاست‌گذاری به مثابه یک خلأ مهم در مواجهه با فرآیند توسعه شهری و شکل‌گیری شهر اسلامی ایرانی است.

بر همین اساس این پژوهش با عنایت به تجربه‌های صورت گرفته در حوزه مطالعه سیاست‌گذاری شهری در ایران به دنبال احصای ادبیات تخصصی سیاست‌گذاری شهری است تا بر اساس آن مدل‌های موجود نقد شده و زمینه شکل‌گیری ساختاری یکپارچه و منسجم برای فرآیند سیاست‌گذاری شهری در ایران از خلال آن فراهم و نسبت همه سطوح درگیر و وابسته به آن تبیین گردد. لذا در گام اول این پژوهش به دنبال احصاء ادبیات تخصصی سیاست‌گذاری شهری بوده و تا براساس آن در گام دوم چارچوب نظری جایگاه معماری و شهرسازی در فرآیند سیاست‌گذاری شهری را تبیین نماید.

سؤالات پژوهش

۱- سیاست‌گذاری شهری از چه مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی تشکیل شده است؟

۲- معماری و شهرسازی چه جایگاهی در فرآیند سیاست‌گذاری شهری دارند؟

پیشینه پژوهش

سیاست‌گذاری شهری در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مورد توجه در مطالعات میان‌رشته‌ای، به‌ویژه در حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری، حقوق و علوم سیاسی تبدیل شده است. این مطالعات عمدتاً تلاش داشته‌اند تا از دیدگاه‌های مختلف به تحلیل و بررسی مفهوم سیاست‌گذاری شهری و جایگاه آن در برنامه‌ریزی شهری بپردازند. این رویکردهای متنوع به سیاست‌گذاری شهری از دو جنبه در این پژوهش حائز اهمیت هستند: نخست، نشان‌دهنده گستردگی ارتباطات این مفهوم و تعاملات متقابل آن با حوزه‌های گوناگون دانشی است که موجب تنوع چشمگیر در روش‌های بررسی آن می‌شود؛ دوم، تأثیر قابل توجهی بر تعیین زاویه نگاه این تحقیق دارد، چرا که مفهوم سیاست‌گذاری شهری از منظر جایگاه معماری و شهرسازی مورد تحلیل قرار گرفته است.

در جدول زیر، خلاصه‌ای از این پژوهش‌ها به همراه نتایج کلیدی ارائه شده است:

جدول ۱: پیشینه پژوهشی سیاست‌گذاری شهری در ایران، مأخذ: نگارندگان

نوع پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج	محقق - سال
پژوهش‌های تاریخی	الگوهای جدید سازماندهی فضا در ارتقاء کیفیت معماری شهری؛ گامی نوین در راستای سیاست‌گذاری شهری	بر نقش مهم پیشرفت‌های نوین فضایی در برنامه‌ریزی و توسعه و سیاست‌گذاری شهری صحنه می‌گذارد و در قیاس با وضعیت موجود منطقه، کارآمدی و نیاز به فرآیندهای الگویی بدست آمده را نشان می‌دهد.	علیزاده و همکاران، ۱۴۰۳
	تبیین مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی در علم سیاست‌شهر	علم سیاست‌شهر، چیزی جز فهم مداخلات نیروهای غیررسمی در روند تصمیم‌گیری یک شهر نیست و بقیه موضوعات، فرعی و کم‌اهمیت هستند.	خرم‌شاد و محقق، ۱۴۰۱
	درآمدی بر مسئله‌شناسی تحلیلی در سیاست‌گذاری شهری (مورد مطالعه: ...)	هر کدام از کلان‌شهرها در مناطق مختلف کشور با توجه به اهمیت و جایگاه منطقه‌ای خود از مسائل و مشکلات خاصی	مسلمی و همکاران، ۱۴۰۱

محقق - سال	نوع پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
		کلان‌شهرهای معین کشور	برخورد دارند که نیازمند مسئله‌شناسی و سیاست‌گذاری‌های ویژه همان شهر است.
قاسمی و همکاران ۱۳۹۹		حکمرانی خوب شهری به‌منزله مرجعیت سیاست‌گذاری شهری؛ تحلیل محتوای برنامه پنجم و ششم توسعه	ابهام مرجعیت بخش حکمرانی شهری، بر فرآیند تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها تأثیر گذاشته و موجب محقق نشدن اهداف توسعه حکمرانی خوب شهری شده است.
جاوید و همکاران ۱۳۹۹		تبیین تأثیر حکمروایی مطلوب شهری بر توانمندسازی شهروندان	گفتمان حکمروایی مطلوب شهری با عبور از مدیریت شهری به‌مثابه دانش فنی به سیاست شهری، معلول حضور و کنش متقابل کنشگران متنوع شهری است.
مسلمی مهنی ۱۳۹۷		سیاست‌گذاری شهری در ایران: ارائه یک مدل کاربردی	ارائه مدل کلان سیاست‌گذاری شهری بر اساس ارزش‌های اسلامی و الهی حکومت جمهوری اسلامی ایران
وحید ۱۳۸۷		تهران در آینه سیاست‌گذاری شهری	تفسیر قابلیت‌های رشته سیاست‌گذاری عمومی در ارائه راه‌حل برای مسائل و مشکلات کلی و جزئی شهر تهران و بررسی مسائل توسعه پایدار، حکمرانی، تصویر شهری و بودجه در عرصه‌های کلی
et, Rehman al. 2017		Assessment of Urban Governance Using UN-Habitat Urban Governance Index	براساس شاخص حکمرانی شهری که توسط مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ مطرح شده بود به بررسی مدیریت شهری تحصیل در پنجاب پاکستان می‌پردازد.
Hendriks 2014		Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values	پنج ارزش مرکزی حکمرانی خوب: مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، برابری رویه‌ای، انعطاف‌پذیری و تعادل.
Rinaldi 2016		From local development policies to strategic planning-	تحلیل نقش کنشگران و سازمان‌های محلی در پیاده‌سازی سیاست‌های اتحادیه اروپا در

محقق - سال	نوع پژوهش	عنوان پژوهش	نتایج
		Assessing continuity in institutional coalitions	خصوص برنامه توسعه محلی و منطقه‌ای و تداوم ائتلاف این نهادها
میرعابدینی ۱۳۹۷	تدوین الگو	تدوین الگوی سیاست‌گذاری عمومی در مدیریت شهری تهران	سیاست‌گذاری در مدیریت شهری تهران شامل: انتخاب مسئله، سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی است.
حبیبی ۱۳۹۵		بررسی نهادی حکمرانی شهری در شهر تهران	نهادینه‌سازی پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و ایجاد اعتماد متقابل بین ذینفعان شهر تهران و شهرداری در چارچوب الگوی حکمرانی شهری می‌تواند در قالب یک الگوی ملی در دستورکار سیاست‌گذاری باشد.
ابراهیم‌نیا ۱۳۹۴		سیاست‌گذاری یکپارچه در چارچوب برنامه‌ریزی بزرگ‌شهر تهران	دستیابی به چارچوب تحلیل یکپارچگی/غیریکپارچگی سیاست‌گذاری در برنامه‌ریزی بزرگ‌شهر تهران: شامل زمینه‌های سه‌گانه تحلیل

مطالعات پیشینه در زمینه سیاست‌گذاری شهری، به‌ویژه از منظر معماری و شهرسازی، اهمیت ویژه‌ای دارد. معماری امروز بازتاب کالبدی برنامه‌ها، طرح‌ها و سیاست‌های شهری است و نشان‌دهنده نحوه مدیریت منابع و منافع از طریق سیاست‌گذاری‌های شهری است. از این رو، تحلیل سیاست‌گذاری شهری نیازمند نگاهی تخصصی به پیامدهای فضایی و کالبدی آن از دیدگاه معماری و شهرسازی است. تجربه‌های پژوهشی در ایران نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری شهری بیشتر موردتوجه پژوهشگران حوزه‌های عمومی مانند علوم سیاسی و حقوق قرار گرفته است، درحالی‌که این حوزه تأثیر مستقیمی بر روندهای کالبدی و فضایی شهری دارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. این پژوهش تلاش دارد با پر کردن این خلأ، ادبیات تخصصی سیاست‌گذاری شهری را از منظر تأثیرات آن بر معماری و شهرسازی تدوین کند و مبنایی برای تحلیل تجربیات معاصر ارائه دهد. نکته دیگر، کم‌توجهی به نقش معماری و شهرسازی در مطالعات سیاست‌گذاری شهری است. همان‌گونه که منابع مالی و زیرساخت‌ها بر کیفیت زیست شهروندان اثرگذارند، معماری و شهرسازی نیز نقشی کلیدی در توسعه شهری و تحقق ارزش‌های معنایی ایفا می‌کنند. نادیده گرفتن

این حوزه‌ها، که ناشی از نگاه غیر تخصصی به سیاست‌گذاری شهری است، می‌تواند روند دستیابی به اهداف توسعه‌ای را مختل کند.

روش‌شناسی

بر اساس اهداف مطرح گشته، این پژوهش تحقیقی بنیادین است. هدف از این نوع تحقیقات آزمون نظریه‌ها، تبیین روابط بین پدیده‌ها و افزودن به مجموعه دانش موجود در یک زمینه خاص است. تحقیقات بنیادین، نظریه‌ها را بررسی کرده، آن‌ها را تأیید، تعدیل یا رد می‌کند. با تبیین روابط میان پدیده‌ها تحقیق بنیادین به کشف قوانین و اصول علمی می‌پردازد. با این اهداف تحقیقات بنیادین درصدد توسعه مجموعه دانسته‌های موجود درباره اصول و قوانین علمی است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸، ۷۹). ماهیت این پژوهش نیز از نوع توصیفی-تحلیلی است که سعی دارد شرایط و یا پدیده‌ای خاص را توصیف کند. معمولاً در تحقیقات توصیفی صرفاً شناخت شرایط موجود و یا یاری‌رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری اهمیت می‌یابد. ساختار پژوهش نیز در دو مرحله شکل می‌گیرد که هرکدام متناسب با اهداف ترسیم‌شده برای آن، نیازمند اتخاذ روشی مشخص است. در سطح اول منابع مهم کتابخانه‌ای و اسنادی پیرامون مفاهیم، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سیاست‌گذاری شهری مورد مطالعه قرار می‌گیرند. سپس داده‌های مستخرج از این بخش از طریق استدلال منطقی، در جهت نظریه‌پردازی، پردازش‌شده و مؤلفه‌ها و مفاهیم مهم در ادبیات سیاست‌گذاری شهری تبیین و به دنبال آن چارچوب نظری مربوطه تدوین می‌گردد. مبنای جمع‌آوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات و متون معتبر نگارش شده حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی شهری است که به صورت فارسی و لاتین (انگلیسی) منتشر گردیده است. یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله‌به‌مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت. تحلیل کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. این روش به فراسوی کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ۲۱-۲۲). در این تحلیل، محقق فعالانه وارد فرآیند تحقیق می‌شود و به

درک موضوع تحقیق، با در نظر گرفتن بافت ارتباطی که موضوع مطالعه در آن ریشه دارد (نظیر نیت مؤلف و زمینه فرهنگی موضوع)، ویژگی‌های متن (مانند بافت غیرزبانی، نشانه شناختی، دستوری و...)، ویژگی‌های گروه هدف و دریافت‌کنندگان اقدام می‌کند.

مبانی نظری

مفهوم سیاست و سیاست‌گذاری

سیاست‌گذاری شهری یکی از مفاهیمی است که در چارچوب سیاست و سیاست‌گذاری عمومی مطرح می‌شود. درک دقیق این مفهوم مستلزم شناخت ابعاد معنایی سیاست است. برخی پژوهشگران، سیاست را به‌طور کلی به‌عنوان «هر برونداد تصمیم‌سازی» تعریف می‌کنند؛ چه این تصمیم‌سازی فردی باشد، چه جمعی، و چه درباره موضوعی جزئی یا بسیار مهم باشد، و چه توسط بخش عمومی یا سایر بخش‌های جامعه اتخاذ شود (Lowi, 1970, 317). در نگاهی دیگر، سیاست به معنای «فرآیند اخذ تصمیم و اجرای آن برای کل جامعه» تعریف می‌شود (بشریه، ۱۳۸۰، ۲۶). از منظر ارزشی، سیاست به «اداره جامعه انسانی و هدایت آن به‌سوی تعالی» تعبیر می‌شود (جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ۲۲). سیاست به‌عنوان مفهومی گسترده، در تمامی زمینه‌هایی که افراد به تولید و بازتولید حیات خود می‌پردازند، حضور دارد و شامل «فرآیند منازعه و همکاری برای حل مسائل عمومی از طریق تصمیم‌گیری جمعی» است (مارش، استوکر، ۱۳۸۴، ۳۰). در نهایت، سیاست می‌تواند در قالب‌های مختلفی همچون قوانین، آیین‌نامه‌ها، مجوزها، پروانه‌ها و مشوق‌ها تجلی یابد و به اجرا درآید.

سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده است و انعکاس‌دهنده اقدام عمومی دولت در اداره صحیح امور عمومی است. لذا سیاست‌گذاری به‌عنوان یک فرآیند تعریف می‌شود که در آن حکومت‌ها چشم‌انداز سیاسی و تغییرات مطلوب خود را به برنامه‌ها و اقدامات برای دستیابی به نتایج مدنظر ترجمه می‌کنند (Economic Policy Unit, 2003, 1). برای درک واقعیت اطراف و به سامان کردن امور، سیاستی نیاز است تا مبتنی بر واقعیت و دانش باشد، در این راستا سیاست‌گذاری چارچوبی را مشخص می‌کند که در آن از اقدامات دولت برای دستیابی و رسیدن به اهداف عمومی استفاده شود (مسلمی‌مهنی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۳۲۶). سیاست‌گذاری تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، در سطح ملی و محلی هنجاری، فرهنگی و شرایط بین‌المللی قرار دارد (ملک‌محمدی، ۱۳۸۹، ۸۸) و در اصل، تجلی اراده حکومت در عمل است، که آن‌ها را

می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمالی که قابل نسبت دادن به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند، در نظر گرفت (Cochran, Malone, 2014, 4). اندرسون^۱ در کتاب مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری عمومی، تعریف جامعه‌ای از سیاست‌گذاری را ارائه کرده است. «مجموعه اقدامات هدفمند را که به‌وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود، سیاست‌گذاری نامیده می‌شود» (اندرسون، ۱۳۸۵). بر این اساس بررسی واحد سیاست اقتصادی یک سیاست‌گذاری خوب و شایسته مبتنی بر مجموعه‌ای از خصوصیات و ویژگی‌ها است که فرآیند سیاست‌گذاری در هر سطحی نیاز به آن دارد. این شامل موارد زیر است: ۱- نگاه به آینده^۲، ۲- نگاه به محیط بیرونی^۳، ۳- نوآورانه، منعطف و خلاق^۴، ۴- مستند^۵، ۵- همه‌شمولی^۶، ۶- کل‌نگری^۷، ۷- عبرت‌آموزی از تجارب^۸، ۸- ارتباطات^۹، ۹- ارزیابی^{۱۰}، ۱۰- بازنگری^{۱۱} (Economic Policy Unit, 2003, 6). شناخت این فرآیند در سیاست‌گذاری عمومی به باور بسیاری از تحلیلگران و بنیادهای معرفی و نظری حاکم بر این عرصه، به همراه ابزارها، تکنیک‌ها و روش‌ها، به کنشگران و محققان کمک می‌کند تا به گفته دیوید ایستون^{۱۲} به «جعبه سیاه سیاست‌گذاری‌ها» دست یابند. (مسلمی مهنی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۳۲۶). بر مبنای تحقیقات اندیشمندانی همچون بویر و دلثون (۱۹۸۳)، می و ویلداوسکی (۱۹۷۸)، اندرسون (۱۹۷۵) و جنکیس (۱۹۷۸) فرآیند سیاست‌گذاری را می‌توان به شکل عام در پنج مرحله اساسی: تنظیم دستور کار^{۱۳} (تشخیص مسئله و انتخاب موضوع)، فرمول‌بندی سیاست^{۱۴}، تصمیم‌سازی^{۱۵}، اجرا^{۱۶} و ارزیابی^{۱۷} (Jann, Wegrich, 2007, 43) خلاصه نمود. نمودار زیر بیانگر مراحل این فرآیند است:

1. Anderson
2. Forward Looking
3. Outward Looking
4. Innovative, Flexible and Creative
5. Evidence-Based
6. Inclusive
7. Joined Up
8. Learns Lessons
9. Communication
10. Review
11. David Easton
12. Agenda-setting
13. Policy Formulation
14. Decision making
15. Implementation
16. Evaluation



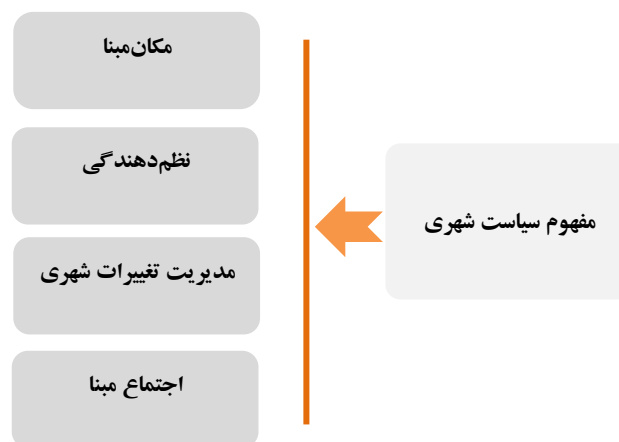
سیاست شهری

سیاست شهری به عنوان هسته مرکزی تصمیم سازی پیرامون شهر، تلاش برای انتظام، کنترل و مدیریت نیروهایی است که نواحی شهری را شکل می دهند (اقوامی مقدم، ۱۳۸۷، ۸). این مفهوم علاوه بر آنکه به علم سیاست شهر مرتبط است، شامل فهم مداخلات نیروهای غیررسمی در روند تصمیم گیری شهر نیز می شود (خرمشاد و محقق، ۱۴۰۱، ۶۹). به طور کلی، سیاست شهری محصول تعامل گروه های مختلف دارای قدرت و منافع است (Geyer, 2009; Cohen & Reynold, 2014). برای درک ماهیت و کارکرد سیاست شهری، تعریف و شناسایی «مسئله شهری» ضروری است (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲). این مفهوم عموماً در حوزه هایی مطرح می شود که شهر به عنوان بستری برای ظهور فرم های مختلف سیاسی و اجتماعی شناخته می شود. سیاست شهری با تقویت نقش شهرها در توسعه پایدار، سهم قابل توجهی در دستیابی به اهداف کلان شهری ایفا می کند (Clos, 2017, 28). سیاست شهری مجموعه ای از تصمیمات منسجم است که فرآیندهای هدایت شده برای هماهنگ کردن بازیگران مختلف را با هدف دستیابی به چشم اندازهای مشترک شامل می شود. این چشم اندازها به منظور توسعه شهری مولد، منعطف و همه جانبه در بلندمدت ترسیم شده اند و فرآیند سیاست گذاری در این حوزه غالباً تعاملی است (Turok, 2014). مطابق با جدول ۲ ابعاد مختلف سیاست شهری را می توان در چهار حوزه اصلی طبقه بندی کرد: سیاست مکان مبنا، نظم دهنده گی، مدیریت تغییرات شهری، فرم اجتماع شهری (اجتماع مبنا). این ابعاد در نمودار ۲ ارائه شده اند.

جدول ۲: تعاریف مختلف پیرامون مفهوم سیاست شهری، از دریچه دیدگاه های متفاوت، مأخذ: نگارندگان

منبع	شرح تعریف	حوزه تعریف
Cochrane, 2009	سیاست شهری مجموعه ای از ابتکارهایی است که توسط مراجع عمومی پیگیری می شود تا روی وضعیت زندگی مردم در محیط شهری اثر بگذارند. سیاست شهری متفاوت از سیاست های اجتماعی، مکان مبنا است و از سطح محله تا کل شهر را در بر می گیرد.	سیاست مکان مبنا
Cowan, 2005	سیاست شهری عبارت است از: مهار، مدیریت و نظم بخشی به نیروهای شکل دهنده	سیاست نظم دهنده

منبع	شرح تعریف نواحی شهری	حوزه تعریف
Geyer , 2011	سیاست شهری با مدیریت تغییرات شهری سروکار دارد و محدود به مقیاس شهری نیست بلکه سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی ملی و بین‌المللی را نیز شامل می‌شود.	سیاست مدیریت تغییرات شهری
Byrne, 2002	سیاست شهری از سیاست‌هایی است که موضوعشان زمین شهری و مردم شهری است و در چارچوب شکل بخشی به آینده اجتماعی شهرها هدایت می‌شوند	سیاست فرم اجتماعی شهرها

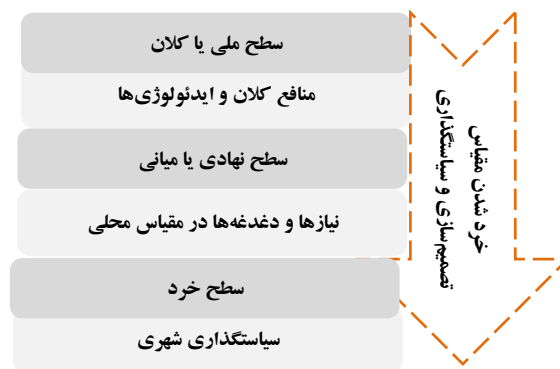


نمودار ۲: ابعاد مختلف تعریف سیاست شهری، مأخذ: نگارندگان بر اساس تحلیل منابع

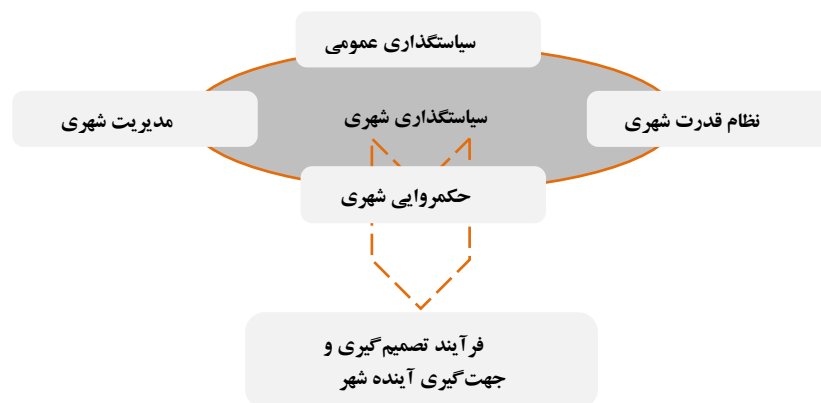
سیاست‌گذاری شهری؛ ابعاد، عوامل و مؤلفه‌ها

سیاست‌گذاری شهری، به‌عنوان بخشی از سیاست‌گذاری عمومی، به فرآیند تدوین و اجرای تصمیماتی اشاره دارد که با هدف دستیابی به چشم‌اندازها و اهداف شهری طراحی می‌شوند. این حوزه از سیاست‌گذاری، نقش کلیدی در هماهنگی نیروها، منابع، و بازیگران مختلف در جهت مدیریت و توسعه نواحی شهری ایفا می‌کند. سیاست‌گذاری شهری با تکیه بر درک مسئله‌های شهری و تعریف صحیح از اهداف و برنامه‌ها، به‌عنوان ابزاری برای هدایت تحولات اجتماعی، اقتصادی، و کالبدی در شهرها عمل می‌کند. به این ترتیب، سیاست‌گذاری شهری بستری برای تحقق توسعه پایدار و نظم‌بخشی به تعاملات میان ذی‌نفعان مختلف در فضای شهری فراهم می‌آورد. سیاست‌گذاری اساساً در سه سطح مطرح می‌شود؛ اول سطح ملی یا کلان که با

موضوعاتی چون منافع کلان یا ایدئولوژی‌ها در ارتباط است. دوم، با نام سطح نهادی یا میانی، همچنان به موضوع منافع، ایدئولوژی‌ها و نهادها می‌پردازد؛ با این تفاوت که این موضوعات حول نیازها و دغدغه‌های محلی مطرح شده و گروه‌های بهره‌ور در مقیاس محلی است (Ferlie & Ongaro, 2015). سطح سوم سیاست‌گذاری که مربوط به مقیاس خرد است شامل مجموعه تصمیماتی است برای هموارسازی اجرای راهبردها در طرح‌ها است (کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۰) (نمودار ۳).

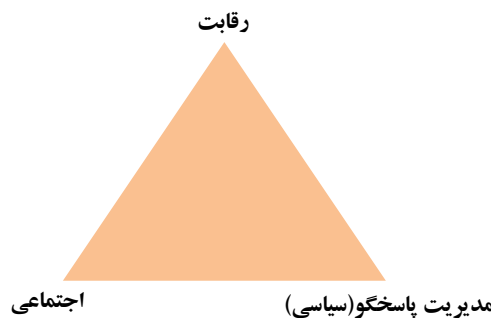


نمودار ۳: سطوح مختلف سیاست‌گذاری، مأخذ: نگارندگان.



نمودار ۴: سطوح بالاسری سیاست‌گذاری شهری و اتصال آن به آینده شهر، مأخذ: نگارندگان.

در ساختار سیاست‌گذاری شهری می‌توان سه سطح کلان، میانی و خرد را تعریف کرد. در این تقسیم‌بندی، واژه «کلان» به سیاست‌های کلی اشاره دارد که از یک سو فراتر از مرزهای بخش‌های خاص می‌رود و از سوی دیگر بر جهت‌گیری سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. نمونه‌هایی از این سیاست‌ها شامل سیاست‌گذاری حکمروایی شهری، توسعه پایدار، تصویر شهری، و بودجه شهری هستند (وحید، ۱۳۸۷، ۲۸۹). سیاست‌گذاری شهری، به دلیل ترکیب دو حوزه پیچیده شهر و سیاست‌گذاری، مباحث، ابعاد و زوایای متعددی را در بر می‌گیرد. تعریف سیاست‌گذاری شهری می‌تواند از دیدگاهی کل‌نگر و بر مبنای تعامل میان ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر جنبه‌ها صورت گیرد. در دیدگاه‌های نوین، مفهوم سیاست‌گذاری شهری به سمت "سیاست‌گذاری نوین شهری" و "مثلث بهینگی سیاست‌گذاری شهری" متمایل شده است. تعامل میان اضلاع این مثلث، شاکله‌ای کل‌نگر از سیاست‌گذاری نوین شهری را ارائه می‌دهد که در نمودار ۵ به تصویر کشیده شده است.



نمودار ۵: مثلث بهینگی در سیاست‌گذاری نوین شهری. مأخذ: ملک‌محمدی، ۱۳۸۹، ۲۹۱.

در فرآیند سیاست‌گذاری شهری، دو دسته عوامل تأثیرگذار وجود دارند: عوامل رویه‌ای و محتوایی. هر یک از این دو دسته را می‌توان به عوامل درونی و محیطی تقسیم کرد که در جدول ۳ ارائه شده است. عوامل محتوایی به چالش‌های اجرایی یا کارکردی اشاره دارند که پیرامون موضوعات و وظایف حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و غیره بر فرآیند سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند. در مقابل، عوامل رویه‌ای به چالش‌های نهادی و رویه‌ای مرتبط

هستند که به برنامه‌ریزان، ساختارهای تشکیلاتی و شیوه‌های کاری آن‌ها مربوط می‌شوند. چالش‌های رویه‌ای، هرچند ناملموس و پنهان به نظر می‌رسند، به مسائل بنیادین تر و کلی‌تری نسبت به چالش‌های شکلی و محتوایی می‌پردازند. تا زمانی که این مسائل حل نشده باقی بمانند، حتی بهترین برنامه‌ها نیز در مواجهه با چالش‌های اجرایی یا کارکردی اثربخش نخواهند بود (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰، ۴۴-۴۶). عوامل درونی آن دسته از عواملی هستند که یک نهاد یا سازمان می‌تواند به صورت مستقیم بر آن‌ها اثر بگذارد؛ برای مثال، وظایف سازمان یا چالش‌های نهادی داخلی. در مقابل، عوامل محیطی بر عملکرد و تصمیمات سازمان از خارج تأثیر می‌گذارند و به طور کامل تحت کنترل آن سازمان یا نهاد نیستند.

جدول ۳: عوامل مؤثر بر فرآیند سیاست‌گذاری شهری، مأخذ: برگرفته از جلیلی، ۱۳۹۲

عوامل مؤثر بر فرآیند سیاست‌گذاری شهری		عوامل رویه‌ای		عوامل محتوایی	
حوزه‌ها		درونی	محیطی	درونی	محیطی
حوزه‌های مختلف: اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تکنولوژی، حقوقی و زیست محیطی		عوامل نهادی، تشکیلات و روش‌های مربوطه	عوامل و موضوعات اجرایی و کارکردی		

رهگیری جایگاه معماری و شهرسازی در فرآیند سیاست‌گذاری شهری

سیاست‌گذاری به مثابه فرآیند تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری، در اغلب موارد، فرآیندی آنی نیست، بلکه به زمان و مراحل متوالی نیاز دارد. از این رو، تقسیم‌بندی آن به مراحل مختلف می‌تواند درک و اجرای آن را تسهیل کند. در این راستا، هنسون مدل «مدل‌های مدرن متوالی»^۱ را معرفی کرده است که در آن فرآیند حل مسئله به پنج مرحله تقسیم می‌شود: بیان مسئله (شناسایی و تعریف دقیق مسئله)، تعریف ویژگی‌های مسئله (جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم برای درک عمیق‌تر مسئله)، ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی (تولید و پیشنهاد راه‌حل‌های ممکن و محتمل)، ارزیابی راه‌حل‌ها (تحلیل و بررسی گزینه‌ها برای انتخاب بهترین راه‌حل)، انتخاب و اجرای راه‌حل نهایی (تعیین استراتژی اجرایی برای تحقق تصمیم) (Hannson, 2005, 10). در مدل دیگری که بریم و همکاران (۱۹۶۲) ارائه کرده‌اند، فرآیند

1. Modern sequential models

تصمیم‌گیری شامل شش مرحله است که به‌طور مشابه به تحلیل مسئله، ارائه راه‌حل‌ها و انتخاب استراتژی اجرایی تأکید دارد. بررسی مراحل تصمیم‌گیری نشان می‌دهد که این فرآیند با سیاست‌گذاری هم‌سو است. هر دو فرآیند با شناسایی و فهم مسئله آغاز می‌شوند و هدف آن‌ها، بهبود شرایط موجود از طریق اتخاذ سیاست‌ها و راه‌حل‌های مؤثر است. این فرآیندها، در پایان، به ارزیابی نتایج و تأثیرات اجرا شده می‌پردازند تا اثربخشی اقدامات بررسی شود.

فرآیند تصمیم‌گیری به اطلاعات جامع درباره موضوع و دامنه مرتبط نیاز دارد. تصمیم‌ها اغلب منعکس‌کننده استراتژی‌ها و سیاست‌های خاص شهرها هستند و توسط تصمیم‌گیرندگان اتخاذ می‌شوند که نقش، برنامه و قدرت مشخصی دارند. با این حال، فرآیند تصمیم‌گیری در میان کشورها و شهرهای مختلف متفاوت است و رویکردی واحد برای همه شرایط وجود ندارد. هر شهر، بسته به نوع موضوعاتی مانند برنامه‌ریزی، حمل‌ونقل یا ایمنی، فرآیندهای تصمیم‌گیری متفاوتی را دنبال می‌کند. این فرآیندها نیازمند ابزارهای خاصی هستند و با گروه‌های مختلف ذی‌نفع و تصمیم‌گیر در ارتباط‌اند. فرآیند تصمیم‌گیری شهری به دلیل ترکیب پیچیده عوامل نهادی، تاریخی، و موضوعی متغیر است. این تصمیم‌ها ممکن است در یک بازه زمانی بلندمدت یا به‌صورت فوری اتخاذ شوند. برای مثال، تصمیم‌گیری درباره مقابله با حادثه‌ای نظیر آتش‌سوزی معمولاً نیازمند واکنش سریع است، درحالی‌که تصمیمات راهبردی مانند مکان‌یابی بناهای بلندمرتبه یا برنامه‌ریزی توسعه مسکن نیازمند تحلیل دقیق‌تر و زمان بیشتری هستند. در نهایت، فرآیند تصمیم‌گیری شهری انعطاف‌پذیری زیادی دارد و بسته به شرایط، موضوع، و ضرورت، رویکردهای مختلفی را می‌طلبد. این فرآیند نشان‌دهنده تعامل میان برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، و اجرای استراتژیک در مواجهه با چالش‌های شهری است.

سیاست‌گذاری شهری و حوزه دانش شهرسازی

شهرسازی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای، با ادغام برنامه‌ریزی و طراحی شهری، نقش مهمی در مدیریت تحولات شهری ایفا می‌کند. این دانش به‌واسطه تأثیرپذیری از نظریه‌ها و رویکردهای متنوع، به دنبال ایجاد مکان‌هایی هماهنگ و معنادار برای مردم است. شهرسازی اساساً به بررسی تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و فیزیکی شهرها می‌پردازد و تلاش می‌کند روابط موجود

در شهر را در قالب نظامی هماهنگ مدیریت و سازمان‌دهی کند. این دانش از تعامل دو حوزه مرتبط، برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری، شکل گرفته است. این دو حوزه در نتیجه کنش و واکنش متقابل، دچار تحول و تکامل شده‌اند. در نظام شهرسازی معاصر، برخلاف گذشته، اقدامات برنامه‌ریزی و طراحی شهری به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند و به سمت فرآیندی هماهنگ و یکپارچه تمایل دارند. طراحی شهری مفهومی روشن و سراسر نیست و چه در عرصه نظری و آکادمیک و چه در حیطه عملی و حرفه‌ای، تعریف واحد و مورد وفاقی از آن وجود ندارد. به ساده‌ترین تعبیر، طراحی شهری را می‌توان به عنوان معماری بزرگ‌مقیاس در بستر شهری یا پل میان معماری و برنامه‌ریزی شهری توصیف کرد (Haas, 2008; Krieger & Saunders, 2009). طراحی شهری حلقه واصل میان دانش‌های مختلف از جمله معماری، برنامه‌ریزی، معماری منظر، و مهندسی است. هدف آن، طراحی فضاها و مکان‌هایی است که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای کالبدی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی را نیز پوشش دهند. از دیگر سو برنامه‌ریزی شهری فرآیند ذهنی و عملی تصمیم‌گیری در امور شهری است. این فرآیند با رعایت محدودیت‌ها و قیود خاص، شیوه و شکل رابطه انسان با محیط شهری را بهینه‌سازی می‌کند و در قالبی منطقی طبقه‌بندی می‌نماید (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۹). طی سه دهه اخیر، تئوری‌ها، رویکردها، الگوها، و ایدئولوژی‌های گوناگون بر عمل برنامه‌ریزی و طراحی شهری تأثیر گذاشته‌اند. این تأثیرات منجر به تحول در نحوه برخورد با چالش‌های شهری شده و آرمان‌های جدیدی را در این حوزه مطرح کرده‌اند. متئو کارمونا^۱ در کتاب مکان‌های عمومی، فضاها را شهری؟ ابعاد مختلف طراحی شهری را بررسی و دسته‌بندی کرده است. این ابعاد که در راستای ساختن مکان‌هایی برای مردم ارائه شده‌اند، شش بُعد اصلی را شامل می‌شوند:

۱- ریخت‌شناسی: نحوه شکل‌گیری و تعیین محدوده فضاها در شهر و مطالعه فرم و شکل مجتمع‌های زیستی است. چهار عامل کلیدی در ریخت‌شناسی عبارتند از: کاربری اراضی، سازه ساختمان‌ها، الگوی قطعات تفکیکی و شبکه ارتباطی.

1. Matthew Carmona
2. Public places urban spaces the dimensions of urban design

۲- ادراکی: این بعد به شیوه‌های درک محیط و نحوه شکل‌گیری مکان تأکید دارد؛ اینکه مردم چگونه محیط را دیده و ارزش‌گذاری می‌کنند و معانی آن را درک کرده یا معنی جدیدی می‌آفرینند.

۳- اجتماعی: فضا و جامعه به شکل مشخصی به یکدیگر مربوطند. این رابطه به صورت یک فرایند دو طرفه است؛ مردم و جوامع، فضا را شکل می‌دهند و همزمان به طرق مختلف تحت تأثیر فضا قرار می‌گیرند. **بعد اجتماعی طراحی** در شهر پنج اصل کلیدی دارد: مردم و فضا، قلمرو فضای عمومی، واحدهای همسایگی، ایمنی و امنیت، دسترسی.

۴- بصری: در این بعد بیشتر عوامل زیبایی‌شناختی طراحی در شهر مورد بحث است که شامل: برتری‌های زیبایی‌شناختی، ادراک فضا و کیفیات زیبایی‌شناسانه فضاهای شهری و باز عمومی، عناصر طراحی شده که فضای شهری را اشغال می‌کند، شامل: عناصر معماری و عناصر نرم و سخت منظر شهری.

۵- عملکردی: این که چگونه فضاها کار می‌کنند و یا چگونه طراحان می‌توانند فضاهای بهتری را طراحی کنند، معطوف به بعد عملکردی است که شامل چهار بخش: استفاده از فضای شهری، اختلاط عملکرد و مسائل تراکم، طراحی محیط زیست، شبکه ارتباطی. می‌باشد.

۶- زمان: با گذشت زمان، فضا به صورت مکان‌هایی برای زندگی شکل می‌گیرد و معنادارتر می‌شود. سه اصل در ارتباط با عامل زمان در طراحی مطرح است: چرخه‌های زمانی، مدیریت زمان، مدیریت تغییر. (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸).

در کنار این ابعاد شش‌گانه، عامل انسانی به عنوان مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در فرآیند طراحی در شهر مطرح است. فارغ از تمامی آنچه به سازمان فضایی شهر شکل می‌دهد، نحوه کنش انسانی نیز بر چگونگی ظهور و بروز عوامل و ابعاد مختلف تأثیرگذار خواهد بود. بخش گسترده‌ای از ادبیات این بعد بر زیست‌پذیری محلی^۱، کیفیت زندگی در فضاهای شهری و نقد اقدامات موجود می‌پردازد. بر اساس نتایج پژوهش‌های مرتبط بسیاری از برنامه‌ریزان و طراحان دریافته‌اند که انسان را نمی‌توان از محیطش جدا ساخت. موارد زیر جنبه‌های بسیار مهمی از موضوعات بعد انسانی است که می‌تواند مبنایی برای تجزیه و تحلیل در این زمینه قرار گیرد:

1. Neighborhood Livability

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

- تنگناهای برنامه‌ریزی/طراحی شهری
- کاستی‌های مشارکت عمومی
- داده‌ها و پژوهش‌های اجتماعی کاربردی
- ماهیت داده‌های اجتماعی مرتبط با طراحی
- نقش کاربرد داده‌های اجتماعی در طراحی امروزه
- تفسیر بعد انسانی به زبان طراحی/برنامه‌ریزی شهری (شیروانی، ۱۳۹۸)

معماری؛ بازنمودی از فرهنگ بستر

معماری، به عنوان یک کالبد کاربردی و پدیده‌ای فرهنگی، از بنیادی‌ترین دستاوردهای انسانی است که در طول تاریخ به طور مستمر در جوامع مختلف پیگیری و بازآفرینی شده است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۶). این حوزه نه تنها یک هنر و حرفه، بلکه یک نظام چند ساحتی و فراگیر است که ارتباط نزدیکی با تمامی جنبه‌های فعالیت‌های بشری دارد. آلوار آلتو^۱، معمار برجسته، معماری را «پدیده‌ای مرکب» توصیف می‌کند که عملاً تمام زمینه‌های فعالیت انسانی را در بر می‌گیرد. در همین راستا، آنتونیادس (۱۳۸۱) معماری را نه فقط به عنوان هنری کاربردی، بلکه به مثابه تجلی ذهنیت بشری می‌داند. معماری را می‌توان کنشی پویا و مستمر دانست که به طور عام با تمامی ابعاد فرهنگی تمدن بشری در ارتباط است. در این میان، ارتباط میان معماری و سیاست، به ویژه در فرآیند سیاست‌گذاری شهری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معماری، به عنوان عنصری کالبدی که بخش عمده‌ای از بستر شهری را شکل می‌دهد، نقشی کلیدی در تعیین شکل و سیمای شهر ایفا می‌کند. در واقع، معماری بازتاب‌دهنده و بازنمایی عینی از سیاست‌های حاکم بر فضای شهری است.

پژوهش‌هایی همچون آثار Boudon (2002)، Gospodini (2005)، Salet، Healey (1997)، Madanipour، Gehl (2010)، Jakobs (1961)، Carmona & Tiesdell (2010)، et al. (2003)، Punter (2003)، Davoudi & Pendlebury (2010)، Rocco & Cowan (2016)، Sanyal (2012)، به بررسی ماهیت طرح‌های معماری و شیوه‌های برنامه‌ریزی برای تحقق این طرح‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعامل میان معماری و سیاست‌گذاری شهری

1. Alvar Aalto

دوطرفه است. از یک سو، تصمیمات سیاست‌گذاری شهری چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های طراحی معماری را تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، معماری با ارائه طرح‌های نوآورانه، حمایت از شیوه‌های پایدار، و پاسخ به نیازهای متنوع جوامع شهری، می‌تواند سیاست‌های شهری را شکل دهد و در مسیر توسعه بهینه هدایت کند. در این بخش پس از غربال مفاهیم و موضوعات مطرح شده، حذف اشتراکات و عوامل کم‌اهمیت و بعضاً بی‌تأثیر، به معرفی مؤلفه‌های کلیدی مرتبط با برنامه‌ریزی معماری در رابطه با سیاست‌گذاری شهری پرداخته می‌شود. این عناصر تعامل نزدیک بین معماری و سیاست‌گذاری شهری را نشان می‌دهند. درحالی‌که تصمیمات سیاست‌گذاری، طراحی معماری را هدایت و تنظیم می‌کند، معماری خود می‌تواند با نمایش راه‌حل‌های طراحی نوآورانه، حمایت از شیوه‌های پایدار و پاسخ به نیازهای متنوع جوامع شهری، به سیاست‌های شهری شکل دهد. این مؤلفه‌های کلیدی برنامه‌ریزی معماری در ارتباط با سیاست‌گذاری شهری در نمودار ۶ به نمایش درآمده است:



نمودار ۶: مؤلفه‌های کلیدی برنامه‌ریزی معماری در ارتباط با فرآیند سیاست‌گذاری شهری. مأخذ: نگارندگان

نسبت طراحی با سیاست و سیاست‌گذاری

سیاست‌های طراحی معماری و شهرسازی در درجه نخست به‌منظور هدایت فرآیندهای کلی طراحی تدوین می‌شوند. این سیاست‌ها نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی چارچوب‌های عملیاتی و جهت‌گیری‌های طراحی ایفا می‌کنند. با این حال، در مواردی برنامه‌ریزان و طراحان ممکن است بدون اتکا به سیاست‌های ساختارمند یا جامع، مستقیماً وارد فرآیند طراحی یا برنامه‌ریزی شوند.

چارچوب طراحی، به مثابه چتری است که فرآیندهای طراحی و برنامه‌ریزی در زیر آن رخ می‌دهند و مستقیماً پاسخی به شرایط و الزامات اقتصاد اجتماعی محیط است. در این میان، راهبردها (چگونگی تبدیل طرح‌های روی کاغذ به واقعیت) بخش مهمی از این چارچوب محسوب می‌شوند. این راهبردها باید مزایایی را که طراحی شهری برای محیط به ارمغان می‌آورد، به وضوح نشان دهند و این مزایا را به صورت ملموس برای همه ذی‌نفعان توضیح دهند. سیاست‌های طراحی را می‌توان به عنوان یک سلسله‌مراتب چندلایه تصور کرد که دامنه عمل آن طیفی وسیع از سطوح و مقیاس‌ها را شامل می‌شود. این طیف از راهبردهای کلان در برنامه‌های توسعه و سیاست‌های قانونی گرفته تا دستورالعمل‌های مکمل طراحی در مقیاس محلی را در بر می‌گیرد. این سیاست‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای تدوین شوند که در نقاط معینی از برنامه متمرکز شوند. این تمرکز به متقاضیان صدور پروانه کمک می‌کند تا به طور کامل با الزامات و مباحث طراحی آشنا شوند و آن‌ها را در درخواست‌های خود لحاظ کنند (Punter & Carmona, 1997). سیاست‌های طراحی نه تنها ابزاری برای هدایت طراحی معماری و شهرسازی هستند، بلکه ابزاری برای ایجاد هماهنگی بین طراحی و نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی نیز به شمار می‌روند. این سیاست‌ها نقش کلیدی در تضمین تحقق اهداف طراحی در سطوح مختلف دارند و به عنوان پیوندی میان طرح‌های مفهومی و واقعیت عملیاتی عمل می‌کنند.

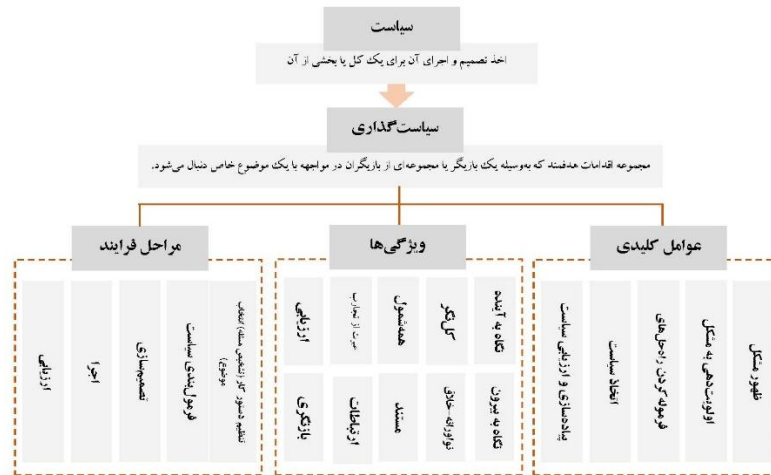
طراحی شهری، چه در مقیاس یک کوی، یک حوزه، یا حتی یک شهر، فرآیندی است که بر چارچوب‌های کلی استوار بوده و همواره به صورت فرآیند محور انجام می‌شود. در این رویکرد، طراح می‌تواند محصولاتی متمایز و متناسب با نیازهای کاربران خاص یا عموم مردم در مقیاسی بزرگ‌تر ارائه کند. در چنین شرایطی، هم کاربران خاص و هم تمامی شهروندان به عنوان متقاضیان طراحی در نظر گرفته می‌شوند و لازم است که از مزایای این طراحی بهره‌مند شوند (شیروانی، ۱۳۹۸). سیاست‌های محلی و مرکزی مرتبط با توسعه شهری و منطقه‌ای، در سطحی فراتر، چارچوبی سیاست‌گذاری شده برای هدایت طراحی را فراهم می‌کنند. این سیاست‌ها تعیین‌کننده حدود و دامنه تأثیرگذاری طراحی در فرآیندهای مختلف هستند و در نتیجه طراحی را به گونه‌ای

هدایت می‌کنند که با نیازها و انتظارات شهروندان و مخاطبان گسترده‌تر همسو شود. در این رویکرد، مدیریت شهری با قرار دادن شهروندان در مرکز فرآیند طراحی، به تعیین اولویت‌ها و ابعاد مختلف طراحی کمک می‌کند. هم‌راستایی طراحی با سیاست‌های شهری به‌ویژه در شرایطی که تأثیرگذاری آن بر دامنه گسترده‌ای از مخاطبین و شهروندان مدنظر است، اهمیت مضاعفی می‌یابد. در این فرآیند، سیاست‌گذاری به ابزاری کلیدی تبدیل می‌شود که حدود و ثغور طراحی را مشخص می‌کند و آن را در قالب چارچوبی قابل اجرا قرار می‌دهد. ضرورت تدوین سیاست‌ها و سیاست‌گذاری در حوزه شهری به‌طور مستقیم با میزان و درجه اثرگذاری طراحی بر بعد شهری و تعدد عوامل دخیل در فرآیند طراحی مرتبط است.

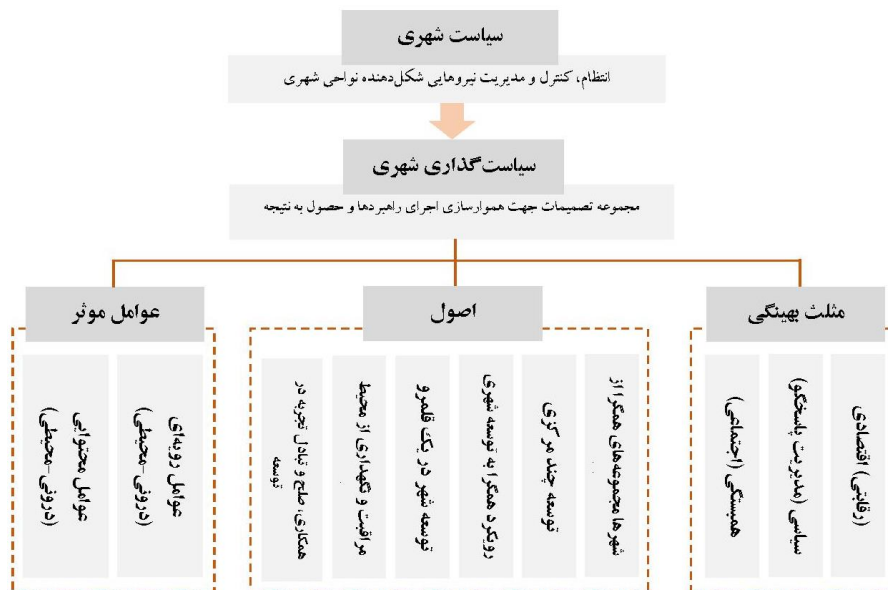
یافته‌ها

پیرو بررسی مفاهیم سیاست و سیاست‌گذاری در بعد عمومی آن، مجموعه عواملی که منجر به سیاست‌گذاری عمومی می‌شود در قالب پنج عامل کلیدی: ظهور مشکل، اولویت‌دهی، فرموله کردن تصمیمات، اخذ سیاست و ارزیابی آن، معرفی گردید. ویژگی‌های یک سیاست‌گذاری کارآمد نیز در قالب ده خصوصیت جامع ارائه شد، که هدف از آن تلاش در جهت در نظر گرفتن رویه‌ها و زمینه‌های دخیل در این فرآیند و دستیابی به دیدی جامع بوده است. به دنبال آن مراحل فرآیند سیاست‌گذاری به شکل عمومی، در پنج مرحله کلی مورد بررسی لازم صورت گرفت. می‌توان این واکاوی را در قالب نمودار ۷ ارائه کرد.

از سوی دیگر سیاست‌گذاری شهری در نسبت مشخصی به سایر حوزه‌های مربوط به مدیریت شهر تبیین شده و عمل می‌کند. عوامل مؤثر بر فرآیند سیاست‌گذاری شهری در دو بخش کلی یعنی: عوامل رویه‌ای (شامل چالش‌های نهادی) و عوامل محتوایی (چالش‌های اجرایی و کارکردی) تعریف می‌شوند که هرکدام از آن‌ها دارای دو ریزبخش عوامل درونی (نهاد یا سازمان می‌تواند بر آن اثرگذاری مستقیم داشته باشد) و عوامل محیطی (بر عملکرد و تصمیمات سازمان از بیرون تأثیر می‌گذارد و تحت کنترل آن‌ها نیست) هستند. (نمودار ۸)



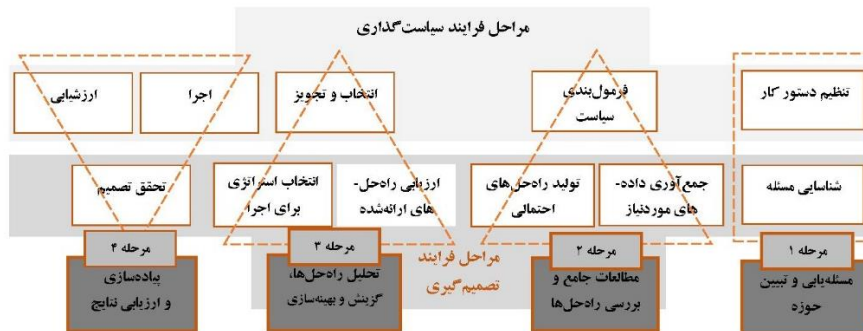
نمودار ۷: جمع بندی مبانی نظری بخش سیاست و سیاست گذاری عمومی، مأخذ: نگارندگان



نمودار ۸: جمع بندی مبانی نظری بخش سیاست شهری و سیاست گذاری شهری، مأخذ: نگارندگان

قرابت مفهومی - محتوایی فرآیند سیاست‌گذاری شهری با معماری و شهرسازی

سیاست‌گذاری و مداخله‌طراحانه در معماری و شهرسازی، به دلیل تفاوت‌های مفهومی و رویکردی، همواره با نوعی فاصله و منازعه همراه بوده‌اند. سیاست‌گذاران عمدتاً بر مقوله‌هایی متمرکز هستند که ساختار مدیریتی، منافع گروه‌های مختلف، و برنامه‌های بلندمدت و چندوجهی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از سوی دیگر، این تضاد، از ابتدای ظهور معماری و شهرسازی به‌عنوان حوزه‌هایی مرتبط با سیستم‌های مدیریتی و قدرتی وجود داشته است و در بسیاری موارد، مانع از شکل‌گیری مواجهه‌ای سازنده میان این دو عرصه شده است. فاصله میان کالبد و محیط شهری موجود با آنچه دانش معماری و شهرسازی برای تأمین نیازهای مردم مطرح می‌کند، منجر به شکل‌گیری مسئله‌ای بنیادین در زمینه فضاهای خصوصی و عمومی شده است. این مسئله، ضرورت تصمیم‌گیری و مداخله‌طراحانه را برجسته می‌سازد. با توجه به نزدیکی سیاست‌گذاری و طراحی از جنبه‌های مختلف، می‌توان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را به‌عنوان فرآیندهایی سیاست‌گذارانه و درعین‌حال مرتبط با روند طراحی تلقی کرد. فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، از منظر مسئله‌یابی و تصمیم‌محوری طراحانه نیازمند بازبینی است. این بازبینی، امکان تطبیق مراحل سیاست‌گذاری با نیازها و الزامات معماری و شهرسازی را فراهم می‌کند. برای تحقق یک مدل نظری کارآمد، لازم است که عوامل مرتبط با معماری و شهرسازی (هم در بُعد برنامه‌ریزی و هم در بُعد طراحی شهری) به‌صورت مستقیم در فرآیند سیاست‌گذاری اعمال شوند. این رویکرد می‌تواند پیوند میان سیاست‌گذاری عمومی و تصمیم‌گیری طراحانه را تقویت کرده و به تحقق اهداف موردنظر در طراحی و مدیریت شهری کمک کند. اتصال سیاست‌گذاری و طراحی در معماری و شهرسازی، نیازمند ایجاد فرایندی است که هم سیاست‌گذاری عمومی و هم نیازها و شرایط خاص طراحی را مدنظر قرار دهد. با بازبینی و تبیین مجدد فرآیند سیاست‌گذاری از منظر معماری و شهرسازی، می‌توان به نتایجی مؤثر در حل مسائل فضایی و مدیریت شهری دست یافت. نمودار ۹ تطبیق میان فرآیند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری را به جهت نزدیکی دو سویه سیاست و طرح نشان می‌دهد.



نمودار ۹: تطبیق مراحل فرآیند سیاست گذاری و فرآیند تصمیم گیری جهت تدوین فرآیند سیاست گذاری تصمیم محور، مأخذ: نگارندگان

در حوزه معماری و شهرسازی، فرآیند طراحی آن، اجرا و عوامل مؤثر بر آن، و همچنین بهره برداری پروژه ها در مقیاس های مختلف دارند، لذا می توان این عوامل را نیز در چگونگی بروز و ظهور فرآیند سیاست گذاری شهری دخیل دانست. (نمودار ۱۰)



نمودار ۱۰: ویژگی ها و عوامل مهم و اثرگذار در فرآیند سیاست گذاری، با محوریت مسئله یابی و تصمیم گیری، مأخذ: نگارندگان

هم‌پیوندی میان مؤلفه‌های شهرسازی و معماری

طراحی در شهر فعالیتی است که می‌بایست، ضروریات و وجوه مختلف مطرح در بستر شهری را مدنظر قرار دهد؛ از این رو ابعاد مختلفی را در بر گرفته که به آن پرداخته شد. در این پژوهش سعی شد علاوه بر ابعاد رایج شامل: ریخت‌شناسی، ادراکی، اجتماعی، بصری، عملکردی و زمان، عامل انسانی به مثابه مهم‌ترین بعد اثرگذار در طرح و برنامه‌ها، مدنظر قرار گیرد. بعد انسانی به صورت کلی در شش جنبه مطرح است: تنگناهای برنامه‌ریزی/طراحی شهری، کاستی‌های مشارکت عمومی، داده‌ها و پژوهش‌های اجتماعی کاربردی، ماهیت داده‌های اجتماعی مرتبط با طراحی، نقش کاربرد داده‌های اجتماعی در طراحی امروز و در نهایت تفسیر بعد انسانی به زبان طراحی/برنامه‌ریزی شهری. به شکل کاملاً مشهودی، ابعاد مختلف مطرح در حوزه شهرسازی را می‌توان به وجوه مختلف آن تعمیم داد. این ابعاد به واسطه جامعیت و گستره ارتباطی که دارند، با حوزه طراحی و برنامه‌ریزی از مقیاس معماری شهری، کوی، منطقه شهری، شهر و کلان‌شهر، امکان مطرح شدن داشته و دارای کاربردهای مشخصی در جهت تحلیل‌های شهری هستند.

در سویه‌ای دیگر، معماری به عنوان بعد سخت‌افزاری شهر مطرح است که تأثیر متقابل و مستقیم بر کیفیت، رفتارها، و حالات مردم (بعد نرم‌افزاری) دارد. معماری در این چارچوب به عنوان آینه‌ای از زندگی مردم عمل می‌کند و بازنمایی از فعالیت‌ها، ارزش‌ها و سیاست‌های جاری در بستر شهری است. محوریت اصلی کنش معماری در شهر، شکل‌دهی به محیط انسان‌ساخت است که در ارتباط دوسویه با سیاست‌گذاری شهری قرار دارد. عوامل و مؤلفه‌های کلیدی معماری که با سیاست‌گذاری شهری مرتبط هستند، در حوزه‌های اثرگذاری و اثرپذیری معماری شهری بررسی می‌شوند. این مؤلفه‌ها مشابه آنچه در شهرسازی مطرح است، قابلیت گسترش و کاربرد در مقیاس‌های مختلف پروژه‌های شهری را دارند. از این منظر، با رعایت اصل یکپارچگی میان سیاست و طراحی، این عوامل به عنوان مجموعه‌ای واحد تعریف و در راستای تحقق اهداف شهری به کار گرفته می‌شوند. در نمودار ۱۱ مجموعه مؤلفه‌های مربوط به معماری و شهرسازی آمده است:

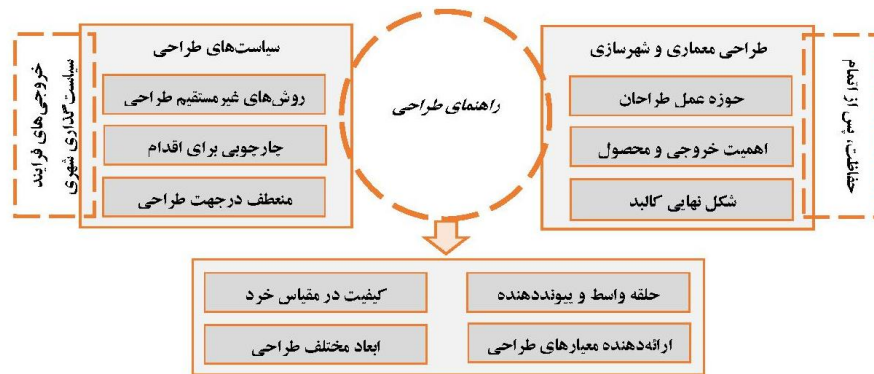


نمودار ۱۱: مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر شهرسازی و معماری در رابطه با سیاست گذاری شهری، مأخذ: نگارندگان

راهنمای طراحی؛ پُل پیونددهنده سیاست و طرح

رویکرد رایج طراحی شهری که بسیاری از شهرها درصدد دستیابی به آن‌اند، در حقیقت نسخه ای از راهبردهای خاص معمارانه است. هر طرح به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم، درواقع نمودی سه‌بعدی از سیاست‌های طراحی معماری و شهرسازی است. مادامی‌که به برنامه و سیاست، خطی، یک‌طرف و تک‌بعدی نگاه شود، پیوند میان سیاست و طرح امری سخت خواهد بود. آنچه در مواجهه با لایه فرآیندمحور در حوزه شهر به‌ویژه در سال‌های اخیر قابل‌رؤیت است، کلی‌گویی در محورهای طراحی و نبود نگاه تخصص محور معماری و شهرسازی است. تدوین سیاست‌های معماری و شهرسازی به همراه یک طرح برای نشان دادن عناصر خاص فرم کالبدی معماری و شهر کافی نیست. در این راستا، راهنمای طراحی نقش مهم و حیاتی پیونددهنده میان سیاست و شهر را بر عهده داشته که از خلال برنامه‌ها و سیاست‌های طراحی در جهت تضمین کیفیت موردنظر و در

مقیاس خرد و تخصصی تدوین می‌گردد. از این رو برای کاهش فاصله بین برنامه‌ریزی و طراحی رویکرد میانی طلب می‌شود تا میان برنامه‌ریزی و طراحی تعامل بیشتری را فراهم سازد. حفاظت به مجموعه فعالیت‌هایی اشاره دارد که پس از عمل طراحی، محیط موجود را مطابق برنامه‌ها، نگهداری و حفاظت کند. همچنین می‌توان این مبحث را به مراقبت از بستر شهری که در آینده مورد مداخله توسط سیاست‌ها قرار گیرد، تعمیم داد. همچنین می‌توان این مبحث را مشابه مرحله ارزیابی دانست (نمودار ۱۲).

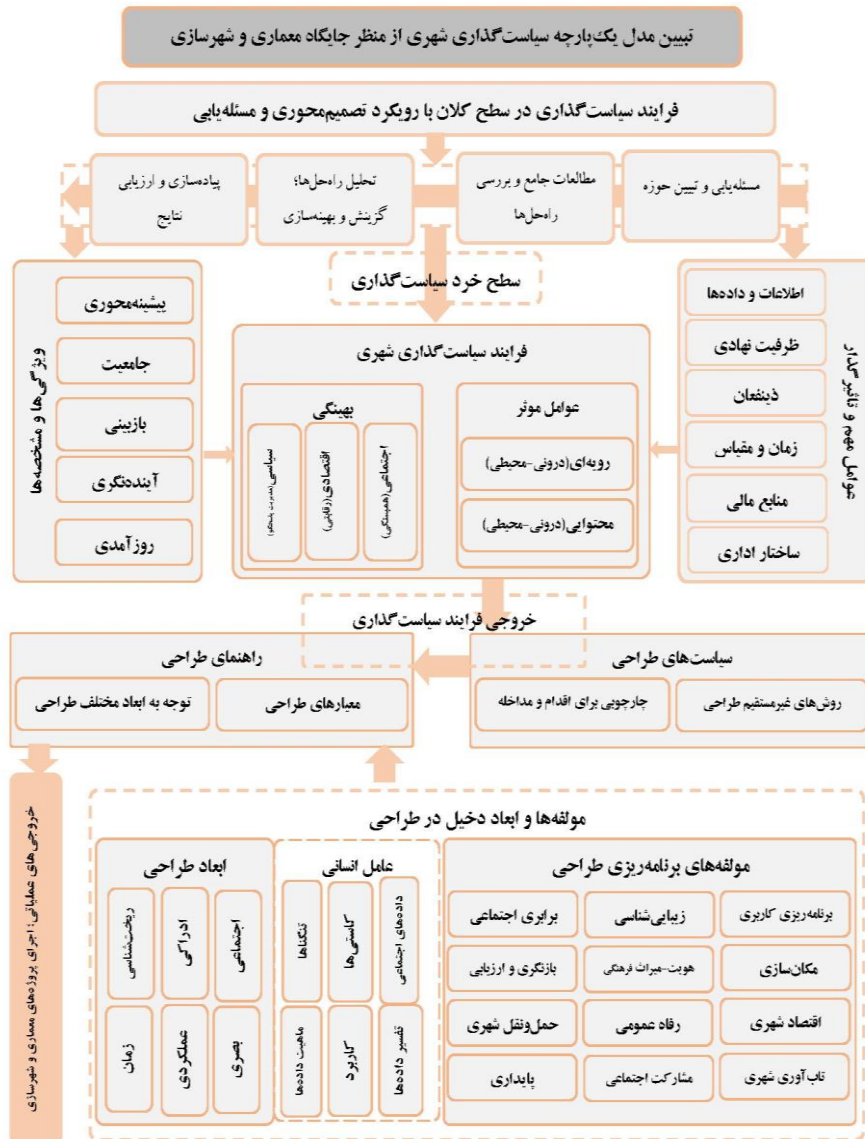


نمودار ۱۲: راهنمای طراحی، حلق واسط و پیونددهنده میان سیاست و طراحی، مأخذ: نگارندگان.

مدل نظری

ماحصل مطالعه نظام‌مند صورت گرفته پیرامون ادبیات تخصصی سیاست‌گذاری شهری و نسبت معماری و شهرسازی با آن، مدل نظری پژوهش است. مهم‌ترین اصل و مبنا در این مدل نظری توجه به یکپارچگی سیاست با طرح است که در طول پژوهش نیز مکرر به اهمیت این اتصال تأکید شده است. این چارچوب نظری و مفهومی به پشتوانه مراحل مختلف بررسی شده در ادبیات تحقیق شکل گرفته است. مبنای آن بر فرآیند سیاست‌گذاری به شکل عمومی، استوار گشته است که مجموعه‌ای از عوامل و ویژگی‌ها را نیز دربردارد. از خلال آن مراحل چهارگانه سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری شهری به عنوان سطح خرد و حوزه مرتبط با توسعه شهری شکل می‌گیرد. خروجی فرآیند سیاست‌گذاری شهری، در اصل همان سیاست‌های طراحی است که

به‌نوعی حلقه پایانی این فرآیند تلقی می‌شود. مطابق اصل اهمیت پیوند سیاست و طرح، پیش از آن‌که سیاست‌های طراحی به خروجی اجرایی معماری و شهرسازی مبدل شود، از حلقه واسط و میانجی جهت اتصال این سیاست‌ها با طرح‌های معماری و شهرسازی استفاده می‌گردد. این اصل پیونددهنده، راهنما طراحی است، که ضمن توجه به مؤلفه‌ها و عوامل دخیل در کنش معماری و شهرسازی در فرایند سیاست‌گذاری شهری، معیار متناسب هر بستر را تدوین و تبیین می‌کند. درنهایت می‌توان چنین بیان کرد که راهنما طراحی به پشتوانه دوسویه سیاست و طرح، می‌تواند به خروجی‌های معماری و شهرسازی متناسب با مسئله مطروحه و مطالعات صورت گرفته در هر فرآیند سیاست‌گذاری شهری دست یابد. این چارچوب نظری در نمودار ۱۳ آمده است.



نمودار ۱۳: چارچوب نظری پژوهش؛ تبیین مدل یک‌پارچه سیاست‌گذاری شهری از منظر جایگاه معماری و شهرسازی، مأخذ: نگارندگان

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شهرها به‌مثابه نظامی مرکب، پیچیده و کلان در تغییر و تحول دائمی هستند. شادابی، سرزندگی و ادامه حیات این نظام در گروی تحقق سه رکن برنامه‌ریزی، مدیریت و مشارکت شهروندان است. این سه رکن اصلی و هم‌پیوند به شهر تجسم می‌بخشند. شهرسازی در روند حفظ و توسعه شهر به ارکان برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و به ابزار نظارت عمومی، مشارکت وسیع مردمی و نیروهای اجتماعی نیازمند است تا شهر و شهرنشینی مناسب برای زندگی انسان محقق شود. بافت‌های شهری به‌عنوان جزئی از نظام یکپارچه شهری برای ساماندهی و تجدید حیات شهری، مستلزم حرکتی آگاهانه و نیازمند مجموعه راهبردهایی پیوسته و هماهنگ است. بر همین اساس سامان دادن همه‌جانبه بافت‌های شهری در سایه تعریف و تأمین بنیان‌های ساختاری و حرکت با برنامه از پیش تعیین‌شده، تحقق‌پذیر است. نتایج این پژوهش بیانگر این نکته است که پیوند سیاست‌گذاری شهری و طراحی، نه تنها ضرورتی برای تحقق زیست شهری پایدار و با کیفیت است، بلکه اساساً سیاست‌گذاری‌های موفق در حوزه توسعه شهری زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسند که به‌واسطه طراحی‌های معمارانه و شهرسازانه تحقق یابند.

چارچوب نظری پیشنهادی در این پژوهش، به‌واسطه مطالعات سیستماتیک پیرامون سیاست‌گذاری‌های شهری و ارتباط آن با معماری و شهرسازی، بر اهمیت این پیوند تأکید می‌کند. سیاست‌های طراحی به‌عنوان خروجی‌های ملموس سیاست‌گذاری، می‌توانند بستر مناسبی برای مداخلات معماری و شهرسازی باشند. اما پیش از آن که این سیاست‌ها به اجرا درآیند، نیاز به راهنماهایی دارند که به عنوان حلقه واسطه بین سیاست و طرح عمل کنند. این راهنماها، با توجه به عوامل مؤثر در فرآیندهای طراحی، معیارهای مناسب برای هر بستر را تدوین کرده و ضمن حفظ انسجام سیاست‌گذاری و طراحی، موجب هم‌افزایی این دو حوزه می‌شوند. در نهایت، نتیجه این پژوهش آن است که سیاست‌گذاری‌های شهری به‌گونه‌ای تدوین شوند که فضای خلاقیت و نوآوری برای معماران و شهرسازان در طراحی‌های خود را فراهم کند. با این رویکرد، طراحی نه‌تنها به‌عنوان یک ابزار اجرایی سیاست‌ها، بلکه به‌مثابه ابزاری برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و تولید معانی جدید در فضاهای عمومی و معماری، نقش فعال‌تری ایفا خواهد کرد. بر این اساس

می‌توان پیشنهادات زیر را در راستای ارتقا جایگاه معماری و شهرسازی در سیاست‌گذاری‌های شهری مطرح ساخت:

۱- تدوین راهنماهای طراحی مبتنی بر سیاست‌های شهری: سیاست‌گذاری شهری باید به سمت تولید مجموعه‌ای از راهنماهای طراحی عملیاتی حرکت کند که در آن‌ها جزئیات دقیق برای طراحان معمار و شهرساز مشخص شده باشد. این راهنماها می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تحقق اهداف کلان سیاست‌گذاری‌ها، علاوه بر ارائه معیارها و استانداردها، فضایی برای خلاقیت طراحان ایجاد کنند. این راهنماها باید منعطف باشند تا بتوانند با تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز سازگار شوند.

۲- ایجاد فرآیندهای بازبینی و ارزیابی مستمر: پیشنهاد می‌شود که مکانیزم‌هایی برای بازبینی و ارزیابی مستمر سیاست‌های طراحی و اجرای آن‌ها تعریف شود. این ارزیابی‌ها باید نه تنها به‌صورت کیفی و کمی بلکه با مشارکت گسترده شهروندان، طراحان و مسئولان سیاست‌گذاری صورت گیرد. این فرآیند به بهبود سیاست‌ها و تطبیق آن‌ها با نیازهای متغیر شهری و انسانی کمک می‌کند.

۳- تشکیل کمیته‌های مشترک طراحی-سیاست‌گذاری: به منظور تضمین پیوستگی و هم‌افزایی بین طراحان و مسئولان سیاست‌گذاری، تشکیل کمیته‌های مشترک با حضور هر دو گروه ضروری است. این کمیته‌ها می‌توانند در هر مرحله از فرآیند سیاست‌گذاری و طراحی حضور داشته باشند تا اهداف سیاستی و الزامات طراحی به‌صورت هم‌زمان و با هماهنگی بیشتر پیش بروند.

۴- توجه به مقیاس‌های مختلف در سیاست‌گذاری و طراحی: پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاری‌ها در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان انجام گیرد و در هر مقیاس سیاست‌های طراحی خاص خود تدوین گردد. این نگاه چندسطحی به سیاست‌گذاری شهری کمک می‌کند تا نیازهای متنوع شهر و شهروندان در مقیاس‌های مختلف بهتر پوشش داده شود.

۵- آموزش و ترویج ارتباط سیاست و طراحی در دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای: یکی از پیشنهادات مهم، تقویت مباحث میان‌رشته‌ای در سیستم‌های آموزشی و حرفه‌ای است. دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای باید دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی را ترویج دهند که به

دانشجویان و متخصصان درک بهتری از ارتباطات بین سیاست‌گذاری و طراحی شهری ارائه دهد. این موضوع می‌تواند به تربیت نیروهایی با دانش کافی در هر دو حوزه منجر شود که به پیوند مؤثرتر بین سیاست و طراحی کمک کنند.

۶- تشویق به استفاده از تجربیات بین‌المللی موفق: پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و طراحان شهری ایران به تجربیات موفق بین‌المللی در زمینه سیاست‌گذاری و طراحی شهری توجه کنند. از این تجربیات می‌توان به عنوان مدل‌هایی برای بومی‌سازی و تطبیق با شرایط ایران استفاده کرد.

۷- پیش‌بینی بودجه و منابع کافی برای اجرای سیاست‌های طراحی: موفقیت راهنماهای طراحی و سیاست‌های شهری منوط به تأمین منابع مالی و مدیریتی کافی است. پیشنهاد می‌شود که در هر مرحله از تدوین و اجرای سیاست‌ها، بودجه‌های مشخصی برای طراحی و نظارت بر اجرای این طرح‌ها در نظر گرفته شود تا از انحرافات احتمالی جلوگیری شود و کیفیت نهایی فضاهای معماری و شهری تضمین گردد.

فهرست منابع

- ابراهیم‌نیا، وحیده. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری یکپارچه در چارچوب برنامه‌ریزی بزرگ‌شهر تهران. رساله برای دریافت دکتری رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۹۵). بنیان‌های نظری در مطالعات شهری. تهران: نشر تیسرا.
- اقوامی‌مقدم، عارف (۱۳۸۷). یادداشت مترجم در کتاب «سیاست‌های شهری»، انتشارات آذرخش، تهران.
- آنتونیادس، آنتونی سی. (۱۳۸۱). بوطیقای معماری، ترجمه احمدرضا آی. تهران: سروش.
- آیشم، معصومه. (۱۴۰۰). شاخص‌های شهر اسلامی از منظر آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی. نشریه فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۱۶(۱): ۲۱۱-۲۲۲.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود رضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. نشریه پژوهش، ۳(۲)، ۴۴-۱۵.
- پورجعفر، محمدرضا، اکبریان، رضا، انصاری، مجتبی، و پورمند، حسن علی. (۱۳۸۶). رویکرد اندیشه‌ای در تداوم معماری ایران. صغه، ۱۶(۳-۴)، ۹۰-۱۰۵.
- جلیلی، مصطفی. (۱۳۹۲). ارزیابی فرآیند سیاست‌گذاری کلان مدیریت شهری تهران نمونه مطالعاتی: فرآیند سیاست‌گذاری کلان برنامه ساختاری راهبردی (جامع) شهر تهران (۱۳۹۰-۱۳۷۸). پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد مدیریت شهری. دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حبیبی، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی نهادی حکمرانی شهری در شهر تهران. رساله برای دریافت درجه دکتری در رشته تحصیلی سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
- خرمشاد، محمد باقر، و محقق، سبحان. (۱۴۰۱). تبیین مرزهای مفهومی سیاست‌شهر و خط‌مشی شهری در علم سیاست‌شهر. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۹)، ۶۹-۹۴.
- رهنمایی، محمدتقی و شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۸۹). فرآیند برنامه‌ریزی شهری ایران. تهران: انتشارات سمت.
- سرمه، زهره؛ بازرگان، عباس و سرمه، زهره. (۱۳۹۸). روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه.
- شیروانی، حمید. (۱۳۹۸). فرایند طراحی شهری، ترجمه: مریم استادی و فتانه ملک. تهران: فکر نو.
- علیزاده حسن‌آبادی، ملیکا، غروی‌الخوانساری، مریم، کبیر صابر، محمدباقر، جباری نوقایی، مهدی. (۱۴۰۳). الگوهای جدید سازماندهی فضا در ارتقاء کیفیت معماری شهری؛ گامی نوین در راستای سیاست‌گذاری شهری (نمونه موردی: مشهد). سیاست‌گذاری شهری و منطقه‌ای، ۱۱(۳)، -.
- قاسمی، ابوالفضل؛ قزلسفلی، محمدتقی و مسلمی مهنی، یوسف. (۱۳۹۹). حکمرانی خوب شهری به‌منزله مرجعیت سیاست‌گذاری شهری؛ تحلیل محتوای برنامه پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۱): ۱۹۵-۲۲۱.

- کاظمیان، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۲). مدیریت شهری: مبانی و حوزه‌ها (جلد ۱). تهران: نشر تیسرا.
- کاظمیان، غلامرضا، میرعابدینی، سیده زهره (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۶، ۲۷-۳۸.
- مسلمی مهنی، یوسف. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری شهری در ایران: ارائه یک مدل کاربردی (مطالعه موردی: کلانشهر کرمان). فصلنامه سیاست، ۴۸(۱): ۱۶۳-۱۷۳.
- مسلمی مهنی، یوسف، ایلخانی پورنادری، علی، افشارمنش، حمیده و صدفی، نغمه. (۱۴۰۱). درآمدی بر مسئله‌شناسی تحلیلی در سیاست‌گذاری شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهرهای معین کشور). جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲(۴)، ۱۳۲۴-۱۳۴۷.
- ملک‌محمدی. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر شناخت مثلث بهینگی در سیاست‌گذاری جدید شهری. فصلنامه سیاست، ۴۰(۴)، ۲۸۹-۲۹۸.
- میرعابدینی، سیده زهره. (۱۳۹۷). تدوین الگوی سیاست‌گذاری عمومی در مدیریت شهری تهران. رساله جهت دریافت درجه دکتری حرفه‌ای در رشته سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری. دانشکده مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت، تهران. ایران.
- وحید، مجید. (۱۳۸۷). تهران در آینه سیاست‌گذاری شهری. فصلنامه سیاست، ۳۸(۴): ۲۷۹-۲۹۷.
- Boudon, P. (2002). Architecture and social sciences: Toward a new interdisciplinary dialogue. *Journal of Architectural and Planning Research*, 19(2), 123-133.
- Byrne, D. (2002). National Social Policy in the United Kingdom. In M. Pacione (Ed.), *Britain's Cities: Geographies of Division in Urban Britain* (pp. 108-127): Taylor & Francis.
- Carmona, M., & Tiesdell, S. (2010). *Urban design reader*. Routledge.
- Clos, J. (2017). NATIONAL URBAN POLICIES. POLICY PAPER 3: United Nations all rights reserved worldwide.
- Cochran Charles L. and Eloise F. Malone. (2014). *Public Policy: Perspectives and Choices*, Copyright © 2014 ISBN: 978-1-62637-075-3 Pb, 1800 30th Street, Suite 314 Boulder, CO 80301 USA telephone 303.444.6684 fax 303.444.0824
- Cohen, N., & Reynolds, K. (2014). Urban Agriculture Policy Making in New York's "New Political Spaces": Strategizing for a Participatory and Repres.... *Journal of Planning Education and Research*, 1-14.
- Cohen, N., & Reynolds, K. (2014). Urban Agriculture Policy Making in New York's "New Political Spaces": Strategizing for a Participatory and Repres.... *Journal of Planning Education and Research*.
- Davoudi, S., & Pendlebury, J. (Eds.). (2010). *the Routledge Companion to Urban Regeneration*. Routledge.
- Ferlie, E., & Ongaro, E. (2015). *Strategic Management in Public Services Organizations*. Routledge.
- Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island Press.
- Geyer, H. (2009). *International Handbook of Urban Policy*, Volume 2. Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Geyer, H. S. (2011). *International Handbook of Urban Policy: Issues in the Developing World*: Edward Elgar.

- Gospodini, A. (2005). Urban form and architectural design: A dialogue between science and design. *Architectural Science Review*, 48(2), 129-137.
- Haas, T. (2008). *New Urbanism and Beyond: Designing Cities for the Future*. New York: Rizzoli
- Healey, P. (1997). *Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies*. Macmillan.
- Hendriks, F. (2014). "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values", *Urban Affairs Review*, Vol. 50(4).
- Holland, B. (2015). Typologies of national urban policy: A theoretical analysis. *Cities*, 125–129.
- Jacobsen, K., Hollander, J. B., Sternlieb, S. R., Yimere, A., Naegle, A. C., & Schwalm, C. (2024). Urban policy responses to climate hazards in Addis Ababa, Ethiopia. *City and Environment Interactions*, 24, Article 100162.
- Jann, Werner, Wegrich, Kai (2007) "Theories of Policy Cycle" In Fischer, Franck, Miller, Gerald J and Mara S. Sideney (eds) "handbook of Public Policy Analysis Theory, Politics and Methods" CRC Press.
- Kent, T. J. (1964). *The Urban General Plan*. San Fransisco, CA: Chalender Publishing.
- Madanipour, A. (2014). *Designing the city: A guide for advocates and public officials*. Island Press.
- Punter, J. & Carmona, M. (1997). *The Design Dimension of Planning: Theory, Content and Best Practice for Design Policies*. Translated from the English by Daneshpoor, A. and Basiri, R. Tehran: Organization of Tehran Municipality Information and Communication Technology Publications.
- Punter, J. (2003). *The Vancouver Achievement: Urban Planning and Design*. UBC Press.
- Raymond, George M. (1978). The Role of the Physical Urban Planner. In Robert W. Burchell and George Sternlieb, eds., *Planning Theory in the 1980s*.
- Rehman, R. U., Waheed, A. & Nacem, M. A. (2017). "Assessment of Urban Governance Using UN-Habitat Urban Governance Index: A Case Study of Tehsil Municipal Administrations of Punjab, Pakistan", *Urban and Regional Planning*, Vol. 2(4).
- Rinaldi, F. M. (2016). From local development policies to strategic planning—assessing continuity in institutional coalitions. *Evaluation and Program Planning, evaluation and program planning journal*, Vol 56, 76-87.
- Rocco, R., & Cowan, R. (2016). *Theories of urban design*. Bloomsbury Publishing.
- Salet, W., Thornley, A., & Kreukels, A. (Eds.). (2003). *Metropolitan governance and spatial planning: Comparative case studies of European city-regions*. Routledge.
- Sanyal, B. (2012). *Planning ideas that matter: Livability, territoriality, governance, and reflective practice*. MIT Press.
- Song, K., Chen, Y., Duan, Y., & Zheng, Y. (2023). Urban governance: A review of intellectual structure and topic evolution. *Urban Governance*, 3(3), 169–185
- Turok, I. (2014). *The Evolution of National Urban Policies*. Nairobi: United Nations Human Settlements Programme.

